

قابلیت نظام دادرسی کیفری ایران در پیشگیری از خشونت علیه اطفال از منظر استانداردهای سازمان ملل متحد^۱

غلامحسین الهام^۲، مریم نصیری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶

چکیده

زمینه و هدف: با وجود تاکید بر قضازدایی و کاهش مداخله‌های رسمی و کیفری در خصوص اطفال و نوجوانان، ورود و تعامل آن‌ها با سیستم قضایی به‌عنوان طفل بزهکار، بزه‌دیده یا شاهد جرم و اطفال در معرض خطر بزهکاری یا بزه‌دیدگی اجتناب‌ناپذیر است. نظام دادرسی کیفری، می‌بایست عاری از هر نوع خشونت علیه اطفال بوده و از بزه‌دیدگی طفل در درون نظام دادرسی جلوگیری کند. این پژوهش با هدف بررسی این مهم از منظر استانداردهای سازمان ملل متحد انجام شد.

۱۴۷

روش: این پژوهش دارای دو بخش توصیف و مقایسه است. در بخش تبیین هریک از طرفین مقایسه، از روش توصیفی استفاده شد و در بخش مقایسه و ارزیابی اسناد سازمان ملل متحد و قوانین دادرسی کیفری ایران، از روش تحلیلی استفاده شد. به این منظور، اسناد مرتبط با دادرسی اطفال و نوجوانان از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری و با قانون آیین دادرسی کیفری ایران تطبیق داده شد.

یافته‌ها و نتایج: این پژوهش نشان داد که برخی چالش‌های موجود در پیشگیری از خشونت علیه اطفال در ایران با وضع مقررات اخیر و تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹، لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و آیین‌نامه میانجی‌گری، برطرف شده است و برخی دیگر نیز هنوز نیازمند وضع مقررات است.

کلیدواژه‌ها: خشونت علیه اطفال، نظام دادرسی کیفری، پیشگیری از خشونت، سازمان ملل متحد.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران با همین عنوان است.

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران. رایانامه: dr.elham@ut.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران. رایانامه: Maryam.nasiri@gmail.com

مقدمه

اطفال و نوجوانان به دلیل ویژگی‌های خاص دوره رشد خود دارای ظرفیت‌های بالایی برای آسیب‌دیدگی هستند. به‌همین منظور نهادهای حمایتی ویژه‌ای برای آنان ضروری است تا بتوانند از آسیب بیشتر کودک جلوگیری کنند. آسیب دوران کودکی به‌راحتی قابل جبران نیست و دید به زندگی و نحوه تعامل کودک با جهان در سنین بعدی خود را شکل می‌دهد. برای پیشگیری از خشونت علیه اطفال رویکردهای کیفری و غیرکیفری باید به‌کار بسته شوند. از جمله رویکردهای غیرکیفری، می‌توان به آموزه‌های جرم‌شناسی رشدمدار اشاره کرد که براساس مراحل رشد و ذهنیت کودک در هر مرحله با تمرکز بر ظرفیت‌های نهادهایی که با کودک تماس دارند به بحث پیشگیری از خشونت علیه آنان پرداخته است.

در این میان، نظام دادرسی کیفری یکی از نهادهایی است که می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای پیشگیری از خشونت علیه اطفال در جامعه به‌کار گرفته شود. آنچه مسلم است این است که نظام دادرسی کیفری که، بازوی حمایتی برای پیشگیری از خشونت علیه اطفال در جامعه و در عرض سایر نهادهای حمایت از اطفال گام برمی‌دارد نباید خود، به مکانی تبدیل شود که به خشونت علیه اطفال دامن بزند. باوجود توصیه به استفاده حداقلی از نظام قضایی و مداخله‌های آن درخصوص اطفال، گاهی به‌ناچار دخالت این سیستم قضایی و رسمی ضروری است. کودک ممکن است به‌عنوان کودک بزهکار، بزه‌دیده یا شاهد جرم و کودک در معرض خطر بزهکاری یا بزه‌دیدگی با نظام دادرسی کیفری تعامل پیدا کند. بنابراین تدابیر اتخاذی در درون نظام دادرسی نیز باید از خشونت علیه اطفال در درون این نهاد جلوگیری کند.

بدین‌منظور سازمان ملل متحد الگو و تدابیری را برای پیشگیری از خشونت علیه اطفال در سه رهگذر پیشگیری عام که ناظر به مرحله تقنین هست و پیشگیری نظام دادرسی از خشونت علیه اطفال در جامعه و درنهایت تدابیر لازم برای پیشگیری از خشونت علیه اطفال

در درون نظام قضایی پیش‌بینی کرده است. مهم‌ترین هدف مجموعه علوم جنایی پیشگیری از وقوع جرم است به‌گونه‌ای که می‌توان جهت‌گیری تمام حوزه‌های علوم جنایی را به‌طور مستقیم یا با واسطه در راستای جلوگیری از ارتکاب جرم ارزیابی کرد.

از میان افرادی که با نقض قوانین کیفری وارد فرایندهای کیفری می‌شوند. با توجه به خصوصیت‌های منحصربه‌فرد این گروه از افراد جامعه به‌کارگیری تدابیر پیشگیرانه در خصوص آن‌ها واجد اهمیت مضاعفی است. کودکان و نوجوانان از یک‌سو آسیب‌پذیرترین قشر جامعه به‌شمار می‌روند و از سوی دیگر، پیشگیری از گرفتار آمدن آنان در ورطه بزهکاری براساس اسناد داخلی و بین‌المللی، حق این کودکان بوده و تکلیف جامعه است. همچنین، کودکان و نوجوانان قشر آینده‌ساز جامعه را تشکیل می‌دهند و در صورت پیشگیری از وقوع جرم آنان، سلامت نسل آینده جامعه نیز که کودکان امروز هستند، تضمین می‌شود و زنجیره بزهکاری برای نسل آینده قطع خواهد شد، از این‌رو، پیشگیری رشدمدار بر ضرورت جهت‌گیری سیاست‌گذاری‌ها بر پیشگیری از خطر گرایش به جرم در کودکان و نوجوانان تأکید می‌کند.

از مهم‌ترین زمینه‌هایی که کودکان و نوجوانان را در معرض خطر گرایش به جرم قرار می‌دهد، اعمال خشونت علیه این قشر از افراد است، خشونت علیه اطفال و نوجوانان، در عین آن‌که خود اقدامی مجرمانه علیه آنان است، زمینه آسیب‌پذیری کودکان را به‌شدت افزایش داده و آنان را در معرض خطر گرایش به جرم قرار می‌دهد. نگاهی به وضعیت کنونی خشونت علیه اطفال و نوجوانان، حاکی از گسترش روزافزون خشونت علیه آنان و در نتیجه افزایش جرائم ارتكابی از سوی کودکان است، درحالی‌که کودکان و نوجوانان استحقاق بیشترین حمایت را از سوی جامعه دارند، متأسفانه بیشترین میزان خشونت علیه آنان اعمال می‌شود.

تحقیقات انجام‌شده در کشورهای مختلف، حاکی از شیوع گسترده خشونت‌ورزی علیه کودکان است، پژوهشی در میان دانشجویان دانشگاه در هند نشان داد که ۹۱ درصد مردان

و ۸۶ درصد زنان، در دوران کودکی خود تنبیه بدنی شده‌اند، همچنین پژوهش انجام شده در انگلیس نشان داد که ۹۱ درصد کودکان در این کشور کتک خوردن را تجربه کرده‌اند، پژوهش دیگری در آمریکا حاکی از آن بود که ۸۹ درصد والدین، فرزندان سه‌ساله خود را در عرض سه سال گذشته کتک زده‌اند.

باتوجه به آثار آسیب‌زای خشونت علیه کودکان، اسناد بین‌المللی بر لزوم پیشگیری از خشونت علیه کودکان به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق کودکان و نیز کارآمدترین روش‌های پیشگیری از خطر گرایش به جرم در اطفال و نوجوانان تأکید دارند.

اسناد بین‌المللی حقوق کودک، به بیان اهمیت پیشگیری از خشونت علیه کودکان اکتفا نکرده و در اسناد مختلف از جمله کنوانسیون حقوق کودک، مقررات حداقل استانداردهای سازمان ملل متحد در زمینه دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن) ۱۹۸۵، رهکردهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهکردهای ریاض) ۱۹۹۰ و مقررات سازمان ملل متحد در حمایت از نوجوانان محروم از آزادی ۱۹۹۰، و به‌ویژه معیارهای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از خشونت علیه کودکان، در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری (دسامبر ۲۰۱۴)، به آن پرداخته است.

با عنایت به این‌که لازمه پیشگیری از خشونت علیه اطفال و نوجوانان از یک‌سو برخورداری از قابلیت‌های لازم در نظام عدالت کیفری برای مقابله و پیشگیری از خشونت علیه اطفال در جامعه و از سوی دیگر مستلزم پیشگیری و پاسخ‌گویی به خشونت علیه کودکان در درون نظام عدالت کیفری است، این سازمان در هر دو زمینه معیارهایی را ارائه کرده است که برای تحقق امر پیشگیری از خشونت علیه اطفال و نوجوانان، رعایت این معیارها در تمام نظام‌های دادرسی اطفال و نوجوانان، مطلوب و مورد تأکید است، این معیارها با عنایت به مراحل مختلف فرایند کیفری و همچنین توجه به اقدامات مؤثر نهادهای غیرقضایی و تلاش در گسترش عدالت ترمیمی و جامعه‌ای و نقش والدین کودک و توجه به نقش کودک در برخورد با نظام عدالت، به‌عنوان قربانی خشونت، شاهد یا مرتکب خشونت

طبقه‌بندی‌شده و تلاش دارد تا با برقراری استانداردهای لازم از بزه‌دیدگی ثانویه کودک خشونت‌دیده جلوگیری کرده و سازوکارهای لازم برای جبران صدمات جسمی و روانی کودک به‌کار گرفته شود و همچنین اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان در معرض خطر خشونت هم دور از نظر نمانده است، در عین آنکه پیشگیری از خشونت علیه اطفال در جامعه نیز مورد تأکید این اسناد بوده و سازوکارهای تخصصی برای جلوگیری از خشونت علیه اطفال توسط جامعه نیز ارائه شده است.

لزوم برقراری امکان گزارش‌دهی بدون ترس یا تبعیض، اقدامات حفاظتی و ایمنی برای کودک و والدین وی، محدود کردن ارتباط و تماس مرتکب خشونت یا متهم با قربانی خشونت، به‌کارگیری رویکردهای متناسب با سن و جنسیت، پیگرد قانونی اعمال خشونت‌آمیز علیه کودکان، حذف نیاز به طرح شکایت رسمی توسط کودک یا والدین او، تصمیمات اثربخش و شناسایی اشکال خشونت و غیرقابل قبول بودن هرگونه خشونت، به حداقل رساندن آسیب‌رساندن به کودک قربانی در روند تحقیقات، مصون نبودن مرتکب مصرف‌کننده الکل و مواد مخدر از مجازات برای اعمال خشونت، تقویت همکاری بین بخش‌های مختلف غیرقضایی، مؤسسات حمایت از کودکان، نهادهای درمانی و دستگاه‌های اطلاعاتی و تأکید بر رویکردهای عدالت ترمیمی و ایجاد واحدهای تخصصی و کودک‌محور، توجه به معیارهای حقوق بشر و حفظ حریم و عزت نفس کودک، اطلاع‌رسانی به والدین کودک در اسرع وقت، از امکان معاضدت‌های حقوقی و طرق جبران خسارت و کمک‌های مشاوران و اطلاع‌رسانی درخصوص هر نوع تماس کودک با نظام دادگستری، پرهیز از در معرض عموم و رسانه قرار دادن کودک، برقراری اتاق مصاحبه برای کودکان و خدمات میان‌رشته‌ای برای جلوگیری از فرسایش کودک در روند جلسات، امکان اعمال اقدامات تأمینی نسبت به مرتکب در صورت لزوم و درخواست والدین کودک، توان‌بخشی و اصلاح مرتکب و آموزش به او با اولویت دادن به ایمنی قربانی و جلوگیری از خشونت مجدد علیه کودک با در نظر گرفتن بهترین منافع وی، مجازات عاملان خشونت و اقدام مناسب برای

کودک مرتکب خشونت، کاهش تماس کودک با نظام دادگستری و برقراری اقدامات جایگزین دادرسی قضایی و بالابردن سن مسئولیت کیفری و منع خشونت در اعمال قانون توسط پلیس و سایر نهادهای مجری قانون و امکان گزارش و شکایت طفل و والدین او از اقدامات خشونت‌آمیز پلیس و مانند آنها، از جمله معیارهایی است که می‌توان به آن اشاره کرد. این پژوهش به منظور شناسایی و تعریف این معیارها و بررسی قابلیت نظام دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان در ایران از منظر معیارهای یادشده در این رهکرد سازمان ملل متحد انجام شد.

با توجه به ابعاد گسترده انواع خشونت علیه کودکان و عنایت به آمارها که حاکی از تجربه خشونت در اکثریت افراد در زمان کودکی است و معضلاتی که در روند رشد صحیح و جامعه‌پذیری آن‌ها در اثر خشونت به ثمر می‌نشیند، امکان بازتولید خشونت در جامعه، همچنین احتمال گرایش به بزهکاری توسط کودک خشونت‌دیده، علاوه بر جامعه و نهادهای مختلف از قبیل رسانه، مدرسه، خانواده و مانند آنها که در زندگی کودک نقش‌آفرینی می‌کنند، نظام دادرسی کیفری نیز باید سازوکارهای مناسبی به کارگیری کند تا امکان اعمال خشونت ثانویه علیه اطفال خشونت‌دیده را در درون خود منتفی سازد و سعی در برطرف کردن هرچه تمام‌تر آسیب‌های جسمی و روانی کودک از خشونت نیز کند و با استمداد از نهادهای غیرقضایی و حمایتی و توسعه همکاری با بخش‌های مختلف، به بازپیوند اجتماعی کودک خشونت‌دیده به جامعه بپردازد، از این جهت پیشگیری از خشونت، از سویی از جانب جامعه و از سوی دیگر در درون نظام دادرسی کیفری که به‌نوعی متولی ایجاد ایمنی و عدالت است، جنبه مهمی به خود گرفته است که برای دستیابی به این مهم، ضروری است با ابزارها و معیارهای لازم آشنایی حاصل شود و به این استانداردها مجهز شویم.

از مجموع مطالب یادشده پژوهش حاضر با هدف اصلی بررسی استانداردها و معیارهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از خشونت علیه اطفال و نوجوانان و مقابله با آن انجام شد. به این منظور دو هدف فرعی شامل: ۱. بررسی نظام دادرسی کیفری ایران از نظر

قابلیت‌های مقابله با خشونت علیه کودکان در درون نظام دادرسی و ۲. ارائه پیشنهادی اصلاحی راجع به قانون آیین دادرسی کیفری و نهادهای ویژه اطفال از منظر سازمان ملل متحد نیز مدنظر قرار گرفتند.

پیشینه: با بررسی مقالات و کتاب‌های منتشرشده در زمینه دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان مشخص شد که باوجود پژوهش‌های متنوع در این حوزه به‌نظر می‌رسد کمتر پژوهشی با تمرکز بر دادرسی اطفال و نوجوانان به تطبیق استانداردهای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از خشونت علیه اطفال در جامعه و در درون نظام دادرسی کیفری با آیین دادرسی کیفری ایران، مصوب سال ۱۳۹۲ پرداخته باشد. نوآوری پژوهش حاضر در این است که تلاش شده است با بررسی اسناد سازمان ملل متحد در این زمینه نگاهی تحلیلی به قوانین و رویه‌های دادرسی کیفری ایران داشته باشد. بااین‌حال برخی از پژوهش‌هایی که با موضوع این پایان‌نامه قرابت دارند عبارت‌اند از:

هدایت (۱۳۹۵) در پژوهش خود باعنوان «آیین دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده: مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران» با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی تطبیقی آیین دادرسی کیفری ویژه کودکان در اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران پرداخته است. از ویژگی‌های این اثر بررسی موضوع براساس مراحل دادرسی کیفری است و در مراجعه به اسناد بین‌المللی از جامعیت خوبی برخوردار است. بررسی موارد تأثیرپذیری قوانین کیفری ایران از اسناد بین‌المللی از یافته‌های پژوهش یادشده است. این اثر به‌خاطر این‌که بر حقوق کودکان بزه‌دیده متمرکز است در این زمینه قابل استفاده هست ولی به‌نظر می‌رسد پژوهش یادشده با محوریت راهکارهای پیشگیری از خشونت علیه اطفال نبوده و از طرفی به موضوع خشونت علیه اطفال در جامعه نیز معطوف نیست، همچنین سند سال ۲۰۱۴ سازمان ملل متحد در این پژوهش بررسی نشده است.

زینالی (۱۳۸۸) در مقاله خود باعنوان «ابعاد حقوقی و جرم‌شناسی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر» با استفاده از نظریات جرم‌شناختی به بررسی راهکارهای حقوقی

حمایت از اطفال و نوجوانان پرداخته است. نگاه جرم‌شناسانه به موضوع و بررسی هم‌زمان ابعاد حقوقی و جرم‌شناختی از نقاط قوت این پژوهش است که می‌تواند برای فهم بسترهای اجتماعی تألیف اسناد بین‌المللی در حوزه کودک و نوجوان استفاده شود. بی‌شک شناسایی عوامل ناکامی بهره‌گیری از اسناد بین‌المللی در حقوق کیفری ایران بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی و جرم‌شناختی ناقص خواهد بود.

نقدی‌نژاد (۱۳۹۰) در پژوهش خود باعنوان «پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی» با استفاده از روش تطبیقی و با تمرکز بر موضوع پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال، از منظر اسناد بین‌المللی و سیاست‌های کیفری حقوق ایران به بررسی موضوع پرداخته است. بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای و نیز اشاره جامع به اسناد بین‌المللی از نقاط قوت پژوهش یادشده است. نویسنده تلاش کرده است بر تأثیرپذیری سیاست‌های کیفری حقوق ایران از اسناد بین‌المللی موجود در این حوزه تأکید کند. غفلت از کودکان بزهکار و تأکید یک‌جانبه به کودکان بزه‌دیده از نواقص کتاب یادشده است.

اسدی (۱۳۸۲) در پژوهش خود باعنوان «دادرسی کیفری اطفال در حقوق ایران» و رایجیان اصلی (۱۳۸۱) در پژوهش خود باعنوان «موقعیت اطفال بزهکار - بزه‌دیده در حقوق ایران» نیز به موضوع وضعیت حقوق اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران پرداخته‌اند ولی با توجه به گستردگی حوزه دادرسی کودکان و نوجوانان، هریک به‌صورت کلی و اجمالی به این بحث اشاره کرده‌اند.

کردعلیوند (۱۳۸۱) در پایان‌نامه خود باعنوان «مطالعه تطبیقی نظام دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در اسناد سازمان ملل متحد، حقوق ایران و فرانسه» به بررسی نظام دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار پرداخته که برخی اسناد بین‌المللی و مجموعه منتشرشده توسط سازمان ملل متحد را شامل نمی‌شود، از طرفی با توجه به سال تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، قواعد جدید این قانون را دربرنمی‌گیرد.

مبانی نظری

پیشینه دادرسی کیفری اطفال: دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان مسبوق به سابقه طولانی مدت نیست. تا پیش از قرن نوزدهم میلادی، که واکنش نسبت به جرائم، صرف نظر از ویژگی‌های فردی مجرم و براساس ماهیت جرم ارتكابی بود در برخورد نظام‌های دادرسی بین اطفال و بزرگسالان تفاوتی مشاهده نمی‌شد. در این برهه از تاریخ در واکنش علیه جرم همواره بر کیفر و تنبیه تأکید می‌شد. اولین تلاش‌ها برای ایجاد نظام دادرسی افتراقی برای اطفال در اواخر قرن نوزدهم، در سال ۱۸۹۹ میلادی منجر به تصویب قانون «دادگاه اطفال» در ایالت ایلی نویز شیکاگو شد و با سرعت مطلوبی در سایر ایالت‌ها از آن الگوبرداری شد.

رویکرد و رویه مدنظر در دادرسی اطفال تا نیمه قرن بیستم میلادی مبتنی بر اصلاح و بازپروری ادامه یافت ولی به دلیل عدم توفیق مدنظر جوامع در کاهش آمار بزهکاری اطفال و تکرار جرم، نسبت به بازدهی رویکردهای اصلاحی تردید جدی صورت گرفت به طوری که در نیمه دوم قرن بیستم میلادی از رویکردهای سزادهی و تنبیهی استقبال بیشتری شد. در این میان اثرات سوء دوران پس از جنگ، افزایش آمار بزهکاری و عوامل اجتماعی - سیاسی دیگر منجر به شکل‌گیری نظریه‌های تأثیرگذاری برای به چالش کشیدن ایده بازپروری شد.

از جمله نظریات مهم نیمه دوم قرن بیستم که در جوامع، مورد استقبال گسترده جرم‌شناسان چپ و راست قرار گرفت می‌توان به ایده «هیچ چیز مؤثر نیست»^۱ مارتینسون^۲ در سال ۱۹۷۵ اشاره کرد، همچنین پس از فراگیر شدن این شعار میان جوامع نظریات دیگری از جمله نظریه استنلی کوهن، با عنوان بازپروری به مثابه «گسترش شبکه کنترل جرم» در سال ۱۹۸۵ و نظر فیلز کریستی با عنوان «کنترل جرم به مثابه صنعت»، تحت تأثیر

اندیشه‌های فوکویی و اصطلاح «مجمع‌الجزایر زندان گونه» فوکو به تقویت نظریه‌های ناکارآمد بودن بازپروری دامن زد (الله‌وردی، ۱۳۹۹).

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ میلادی تشکیل شد. مهم‌ترین سند سازمان ملل متحد در خصوص اطفال، کنوانسیون حقوق کودک است که در سپتامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شد و به دلیل پیوستن اکثریت قریب به اتفاق اعضای سازمان ملل متحد به این سند، مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ است. در این سند حقوق کودکان به‌طور کلی و با فراغت از اینکه در نظام دادرسی یا خارج از آن باشد مدنظر قرار گرفته است.

سازمان ملل متحد از دهه ۱۹۸۰ میلادی با رشد قابل توجه آمار بزهکاری بر آن شد تا استانداردهایی در خصوص دادرسی اطفال ارائه دهد تا این که در سال ۱۹۹۰ به دلیل لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق کودک، رهکردهای ریاض و مقررات هاوانا در سازمان ملل متحد توجه ویژه‌ای به دادرسی اطفال مبذول داشته شد.

به‌طور اختصاصی اسنادی از جمله مقررات پکن، رهکردهای ریاض، مقررات هاوانا، رهکردهای وین، قطعنامه اصول راهنمای دادرسی در موضوعات دربردارنده کودکان قربانی و شاهد جرم و رهکردهای سازمان ملل متحد در موضوع عدالت برای کودکان، مهم‌ترین اسناد سازمان ملل در رابطه با حقوق اطفال و اصول دادرسی ویژه آنان است. جالب توجه این که مقررات پکن که حاوی حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای مدیریت دادرسی ویژه نوجوانان است، قبل از تصویب کنوانسیون حقوق کودک و در سال ۱۹۸۵ لازم‌الاجرا شده است.

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ مجموعه مقررات مربوط به پیشگیری از جرم و نظام دادرسی را با توجه خاص به گروه‌های خاص و آسیب‌پذیر اجتماعی از قبیل زنان، زندانیان و اطفال^۱، به اختصار منتشر کرد. نسخه دوم آن در سال ۲۰۰۶ و نسخه سوم در سال ۲۰۱۶

1. Compendium of United Nations standards and norms in crime prevention and criminal justice.

تهیه و منتشر شد که عمده مطالب مطروحه در این نسخه، اسناد پیش‌گفته سازمان ملل را شامل می‌شود همچنین در این مجموعه می‌توان گونه‌شناسی اقدامات پیشگیرانه علیه اطفال از منظر سازمان ملل متحد را بررسی کرد. در این میان از نمونه راهبردها و تدابیر عملی سازمان ملل متحد در حذف خشونت علیه کودکان در زمینه پیشگیری از جرم و نظام عدالت کیفری^۱ نقشی محوری در مطالب این پژوهش ایفا می‌کند.

رویکرد پیشگیرانه از خشونت علیه اطفال در نظام دادرسی: «پیشگیری از خشونت علیه اطفال و نوجوانان به‌عنوان نخستین مصداق حمایت در زمینه کاهش خشونت علیه کودکان و نوجوانان و همچنین جلوگیری از تکرار خشونت بر این گروه از افراد جامعه که چنین تجربه تلخی دارند دارای اهمیت فراوانی است» (ویسی و قدیری، ۱۳۹۹، ص ۱۴). از مهم‌ترین رویکردهای سیاست جنایی پیشگیرانه در خصوص اطفال می‌توان به رویکردهای جرم‌شناسی رشدمدار اشاره کرد. پیشگیری رشدمدار، متمرکز بر کودکان و نوجوانان در معرض خطر بوده و هدف از آن، «مداخله در دوره‌های مختلف رشد اطفال و نوجوانان بزهکار، منحرف یا در معرض بزهکاری به‌منظور پیشگیری از مزمن شدن و تکراری شدن بزهکاری آن‌ها در آینده (دوران بزرگسالی) است» (میرکمالی و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۹۶). پیشگیری رشدمدار با توجه به مراحل رشد شناختی و هیجانی اطفال و توجه به فرایند رشدی آنان راهکارهایی برای کاهش آسیب ارائه می‌دهد.

جرائم علیه اطفال، بیشتر در دسته جرائم خشونت‌بار طبقه‌بندی می‌شوند تا آنجا که عبارت جرائم علیه اطفال ذهن را به «کودک‌آزاری» معطوف می‌کند. کودک‌آزاری از دید روان‌شناسی به اشکال گوناگون رفتاری اطلاق می‌شود که منتهی به آزار جسمی، روانی، عاطفی و ذهنی کودک شده و در مراحل رشد طبیعی و سلامت کودک اختلال ایجاد کند. پروفیسور دیوید جیل آمریکایی، کودک‌آزاری را «کلیه رفتارها و اعمال غفلت‌آمیز مردم،

1. United Nations Model Strategies and Practical Measures on the Elimination of Violence against Children in the Field of Crime Prevention and Criminal Justice (General Assembly resolution 69/194, annex, of 18 December 2014)

نهادهای و جامعه می‌داند که باعث محرومیت کودکان از حقوق خویش شده و یا در روند رشد شایسته و مقتضی آنان اختلال ایجاد کند» (شعبانی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۵).

رابطه بین دادرسی و پیشگیری از خشونت: پیشگیری از خشونت در یک دسته‌بندی به پیشگیری کیفری و غیرکیفری تقسیم می‌شود:

الف. **پیشگیری کیفری:** موافق با اصل حمایت کیفری از کودکان در برابر بزه‌دیدگی، پیشگیری کیفری به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که معطوف به اقدامات کیفری است. این اقدامات توسط نهادهای حکومتی صورت می‌گیرد و از جمله اقدامات پسینی تلقی می‌شود زیرا بیشتر، نظام قضایی پس از وقوع جرم و خشونت علیه اطفال وارد عمل می‌شود. اما تدابیر پیشگیرانه نظام دادرسی و ورود و مداخله آن برای پیشگیری از خشونت باید قبل از به وقوع پیوستن آن و با کاهش خطر فعلیت آن صورت پذیرد. مجموعه اقدامات پیشگیرانه کیفری را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. جرم‌انگاری حمایتی؛

۲. تشدید مجازات خشونت علیه اطفال؛

۳. پیش‌بینی تشکیلات قضایی و نحوه دادرسی مستقل و افتراقی؛

۴. پیش‌بینی پلیس ویژه اطفال و نوجوانان.

ب. **پیشگیری غیرکیفری:** پیشگیری غیرکیفری ناظر به اقدامات جامعه‌محور است که تأکید بر جامعه‌پذیر کردن اطفال و کنترل اجتماعی در نهادهای غیرکیفری و در درون جامعه دارد. در این نوع پیشگیری در کنار تأکید بر جامعه‌پذیری، تحت تأثیر نظریه کنترل اجتماعی که نخستین بار توسط هیرشی مطرح شد (ابوذری و جاذبی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۳) و لزوم برقراری پیوند عمیق‌تر کودک با جامعه برای کاهش احتمال ارتکاب رفتار نقض‌کننده قوانین کیفری، بر نقش فعال کودک در جامعه تأکید فراوان می‌شود. از طرفی این سیاست جنایی احتمال برچسب‌زنی را کاهش داده و بنا به اهمیت آن بسیار بدان پرداخته شده است. اقدامات جامعه‌محور در اسناد بین‌المللی نیز بسیار مورد تأکید است. فراگیر کردن

آموزش‌ها در خصوص اطفال و ویژگی‌های آنان و معیارهای برخورد با بزهکاری آنان در جامعه همواره مطمح نظر اسناد بین‌المللی قرار گرفته است. «پیشگیری جامعه‌مدار با به‌کارگیری اقدام‌های غیرقهرآمیز اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در محیط‌های مختلف، درصدد از بین بردن عوامل محیطی جرم‌زا یا حداقل کاهش تاثیر آن‌ها بر افراد است» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳). «مدل نوین جرم‌شناسی پیشگیری، تقسیم‌بندی پیشگیری به پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی است (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸، ص ۲۱). «پیشگیری اجتماعی زمینه و علل جرم‌زا را از بین می‌برد ولی پیشگیری وضعی، فرصت و امکان وقوع آن را کاهش می‌دهد یا دشوار می‌سازد» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۱).

ضرورت پیشگیری از خشونت در درون نظام دادرسی از آن‌رو است که باوجود تلاش‌ها برای کاستن احتمال مداخله نظام قضایی در موضوعات دربرگیرنده اطفال، گاهی این امر اجتناب‌ناپذیر است. نظام قضایی که بخشی از برنامه‌ریزی‌ها برای کاهش خشونت و حمایت از اطفال از وظایف آن است نباید خود به محلی برای اعمال خشونت علیه طفل تبدیل شود. «ریشه‌های احتمال خشونت پلیس نسبت به متهمان در فرایند دادرسی را می‌توان در عوامل مختلف فردی، برون‌سازمانی و درون‌سازمانی جستجو کرد» (غلامی، موزن‌زادگان، دعاگویان و اسدی، ۱۳۹۶، ص ۵۸۰).

گونه‌شناسی اقدامات پیشگیرانه در خصوص اطفال^۱: از منظر سازمان ملل متحد برای پیشگیری کیفی از خشونت علیه اطفال در نظام دادرسی در درون نظام دادرسی و در بطن جامعه باید قائل به سه دسته از اقدامات پیشگیرانه شد:

الف. پیشگیری عام^۲: منظور از اقدامات پیشگیرانه عام و کلی، اقداماتی است که در مرحله تقنین باید مدنظر قرار گیرد. «یکی از مولفه‌های شکل‌گیری یک سیاست جنایی افتراقی، در

۱. برگرفته شده از:

United Nations Model Strategies and Practical Measures on the Elimination of Violence against Children in the Field of Crime Prevention and Criminal Justice (General Assembly resolution 69/194, annex, of 18 December 2014)

2. general prevention

قلمرو حقوق کیفری اطفال بزده‌دیده، جرم‌انگاری برخی رفتارهای ویژه در این عرصه است، جرایمی که فقط به دلیل خصوصیات ویژه بزهدیدگان آن‌ها یعنی کودکان ایجاد شده است و با جرم‌انگاری‌های عام در قلمرو حقوق کیفری، متفاوت و متمایز است» (زینالی، ۱۳۸۲، ص ۷۳).

در ایران کمیسر حقوق کودک یا آمودزمان تخصصی پیش‌بینی نشده است اما نهادهایی همچون بهزیستی، سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان بازرسی کل کشور مطابق با اصل ۱۷۴ قانون اساسی تلاش در حمایت از اطفال دارند (بشیریه و آقاخانی، ۱۳۹۸، ص ۴۵-۴۶).

اصول کلی حاکم بر دادرسی اطفال: منظور از اصول کلی حاکم بر دادرسی اطفال، اصولی است که در اسناد بین‌المللی متعددی بر آن تکیه شده و باید در دادرسی اطفال در همه مراحل دادرسی و در اعمال همه مقررات مربوط به آنان متبلور باشند. هر تصمیم و تدبیری در خصوص دادرسی اطفال باید جامع تمام اصول زیر باشد. همچنین اصولی مانند اصل برائت، حق به همراه داشتن وکیل، حق سکوت، حق آگاهی از اتهامات و مانند آن، تاکید اسناد بین‌المللی بر اصول زیر استوار شده است:

قضازدایی و اصل حداقل‌سازی مداخله‌های نظام قضایی: نظام قضایی محتمل است که محل خشونت و برچسب‌زنی علیه اطفال قرار بگیرد «ورود اطفال و نوجوانان به عرصه رسمی عدالت کیفری و محاکمات قضایی موجب تشدید خودپنداری مجرمانه کودکان و نوجوانان می‌شود» (شایگان، ۱۳۹۲، ص ۳۳۵). از همین رو نخست لازم است تا تمهیدات برقراری تشکیلات قضایی خاص و جداگانه‌ای برای اطفال اندیشیده شود. در بیشتر نظام‌های دادرسی، همین‌که در زمینه تقنینی و سیاست جنایی اطفال، مقررات افتراقی وضع می‌شود، در خصوص تشکیلات قضایی و نظام دادرسی اطفال نیز در تمام مراحل تمهیدات ویژه و مستقل از بزرگسالان پیش‌بینی می‌شود.

توجه به مصلحت عالیه طفل: در نظام دادرسی اطفال، مهم‌ترین معیار برای تصمیم‌گیری، توجه به مصلحت طفل است.

«توجه به منافع عالیه کودکان و نوجوانان در تدوین سیاست جنایی کارآمد بخشی از روند توسعه و منافع ملی کشورها محسوب می‌شود» (موزن‌زادگان، ۱۳۸۷، ص ۱). این معیار به قدری مهم و ضروری است که اصول دیگری در دادرسی اطفال از آن نشأت می‌گیرد. به‌عنوان مثال اصل علنی بودن دادرسی و اصل بی‌طرفی مقام قضایی در دادرسی اطفال کم‌فروغ‌تر می‌شود تا مصالح عالیه طفل به‌نحو مطلوب‌تری مورد توجه قرار گیرد.

دامنه وسیع و متنوع اختیارات مقام تصمیم‌گیرنده: اشخاصی که در فرایند دادرسی اطفال دخیل هستند باید بتوانند نظر به وضع شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی، اختیار تصمیم مناسب با هر کودک را داشته باشند. برای جلوگیری از سوء استفاده از اختیارات این اصل همراه با تدابیری مورد تاکید قرار گرفته است.

حق حیات، بقا و رشد: توجه نظام‌های دادرسی اطفال باید همواره با تاکید و در نظر داشتن حق حیات، بقا و رشد کودک باشد. به‌کارگیری رویکردهای غیرتنبیهی و توجه بر اصلاح کودک و بازیبوند و ادغام وی با جامعه، جلوگیری از برجسب‌زنی و جبران هرچه تمام‌تر خسارات مادی و آسیب‌های روانی وی مورد امعان نظر دولت‌ها قرار گیرد. این حق که یکی از حقوق بنیادین هر کودکی است علاوه بر سایر اسناد بین‌المللی مربوط به دادرسی اطفال، در کنوانسیون حقوق کودک نیز مدنظر قرار گرفته است.^۱، سایر حقوق به‌شرح زیر هستند:

- اصل منع تبعیض؛
- احترام به نظرات کودک و حق بر شنیده شدن؛
- تفسیر به نفع کودک و عطف به گذشته کردن مقررات مساعد؛
- توجه به رویکردهای عدالت ترمیمی؛
- رفتار کرامت‌مند، دلسوزانه و حفظ حریم شخصی کودک؛
- حمایت از کودک در قبال هرگونه سوء استفاده، بهره‌کشی و خشونت.

روش

این پژوهش دارای دو بخش توصیف و مقایسه است که با نگاهی جامع به اسناد سازمان ملل متحد و قوانین ایران درصدد شناسایی این مسئله است که پیشگیری از خشونت علیه اطفال توسط نظام دادرسی یا در درون نظام دادرسی، از منظر سازمان ملل متحد، با چه روش‌ها و اقداماتی امکان‌پذیر است و در ایران با چه چالش‌هایی روبرو است؟ در کشف این چالش‌ها و اقداماتی که به آنها قوانین ایران به‌طور تطبیقی و مقایسه‌ای با تدابیر پیشگیرانه سازمان ملل متحد مورد تدقیق قرار گرفته است. همچنین تلاش شد تا مشخص شود چه تدابیر پیشگیرانه از خشونت علیه اطفال در سایر اسناد و مقررات سازمان ملل متحد و در قوانین ایران انعکاس یافته است و چه اصولی را می‌توان جزء جدایی‌ناپذیر دادرسی اطفال برای پیشگیری از خشونت علیه آنان برشمرد؟

یافته‌ها

دلالت‌های تدابیر پیشگیرانه عام سازمان ملل در نظام دادرسی کیفی ایران تدابیر پیشگیرانه عام همان‌طور که پیش‌تر بررسی شد، مجموعه تدابیری است که بیشتر ناظر به زمان تقنین است تا با داشتن مقررات کامل و پیش‌گیرنده و حمایتی و همچنین حذف مقررات و عرف‌های مضر، بستر اجرایی مناسبی برای نظام قضایی ترسیم شود. در بررسی به‌عمل آمده، عمده محورهای مورد تأکید سازمان ملل متحد درخصوص پیشگیری تقنینی، ناظر به موضوعات زیر است:

شناسایی تمام اشکال خشونت علیه اطفال و نوجوانان و جرم‌انگاری مؤثر آن: به‌موجب ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱، «هر نوع آزار و اذیت کودکان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا بدنی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است».

این قانون که به‌موجب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نسخ صریح

شده است، اشکال مختلف خشونت را شناسایی کرده است. بیشتر اشکال خشونت، از روی نتیجه‌ای که خشونت بر طفل وارد می‌سازد به خشونت جسمی، روانی عاطفی (اخلاقی) و جنسی تقسیم‌بندی می‌شود که از مصادیق رایج این خشونت‌ها می‌توان به سهل‌انگاری و بی‌توجهی نیز اشاره کرد که بیشتر می‌تواند منجر به در معرض خشونت جنسی قرار گرفتن کودک شود یا به تنهایی برای ایجاد خشونت روانی عاطفی علیه کودک بسنده کند.

اصلاح قوانین خشونت‌آمیز و تبعیض‌آمیز علیه کودکان: قوانین شرعی از جمله، حدود و قصاص و دیات و تعزیرات منصوص شرعی، عناوین زیادی در قانون ندارند. عمده جرم‌انگاری‌ها در حوزه تعزیرات غیرمنصوص است که در این موارد نیز سن اشخاص زیر هجده سال تمام شمسی با مسئولیت‌های طبقه‌بندی‌شده از حمایت مخصوص اطفال و نوجوانان و البته بدون تبعیض جنسیتی بهره‌مند شده‌اند.

حذف اشکال خشونت و رفتارهای غیرانسانی در مدارس و سایر نهادهای اجتماع:

جایگزین رویکردهای سنتی و خشونت‌آمیز و تنبیهی در مدارس می‌تواند به‌کارگیری آموزه‌های عدالت ترمیمی، از جمله دوره‌های آموزش حل تعارض به آموزگاران و دانش‌آموزان و میانجی‌گری همسالان نقش مهمی در حل مسالمت‌آمیز اختلافات و پیشگیری از مزمن شدن انحراف یا بزهکاری دارد، باشد (رضوانی و کردعلیوند، ۱۳۹۷، ص ۶۶۲).

حذف عرف‌های مضر: عرف‌های مضر عرف‌هایی است که در جامعه معمول است اما خشونت علیه اطفال محسوب می‌شود. این عرف‌ها در جوامع تا حدود زیادی جنسیت‌محور است. از جمله این عرف‌ها و خشونت‌هایی که در نگاه عمومی عادی و یا حق‌انگاشته می‌شوند و حذف آن‌ها مستلزم افزایش آگاهی‌های عمومی است و می‌توان به ازدواج اجباری با شخص زیر سن قانونی، ختنه و ناقص‌سازی دختران، اتوی سینه دختران، قتل‌های مبتنی بر جنسیت (که در ایران به اصطلاح غلط، قتل‌های ناموسی نامیده می‌شوند) اشاره کرد.

پیشگیری از خشونت جنسی علیه اطفال: خشونت جنسی به دلیل آثار مخرب طولانی مدت آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توصیه‌های سازمان ملل همواره بر ایجاد قوانین بازدارنده در این رابطه استوار شده است. فصل سوم قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ موارد متعددی از خشونت جنسی علیه اطفال را جرم‌انگاری کرده است. آزار و سوءاستفاده جنسی اعم از تماسی و غیرتماسی توسط محارم، به‌عنف و غیر از آن و بهره‌کشی جنسی برای هرزه‌نگاری و سوءاستفاده جنسی، در دسترس کودک قراردادن محتویات مستهجن یا مبتذل، استفاده از طفل برای فروش این محتویات، وارد صادر و انتشار و تکثیر محتوای مستهجن که در آن‌ها از اطفال بهره‌گیری و کام‌جویی شده است و همچنین برقراری ارتباط مجازی برای آزار جنسی نامشروع و همچنین هر نوع معامله کودک با هدف فحشا و هرزه‌نگاری، از موضوعاتی است که مقنن در ماده ۱۰ و ۱۱ این قانون به جرم‌انگاری آن‌ها مبادرت ورزیده است.

۱۶۴

تقویت دستگاه‌های حفاظتی و محیط‌های امن و حمایتی: درخصوص برقراری نظام حفاظتی و محیط امن و حمایت از اطفال و نوجوانان، ازجمله استانداردها و تدابیر تعریف‌شده توسط سازمان ملل متحد می‌توان به جلوگیری از خشونت علیه اطفال در خانواده و اجتماع و شناسایی آسیب‌پذیری و خطرهایی که کودکان با آن مواجه می‌شوند و پیشگیری از آن، و حمایت از کودکان در معرض خطر اشاره کرد.

مصادیق بارز خشونت اطفال علیه اطفال، قلدری یا خشونت‌های رایج در گروه‌ها و باندهای بزهکاری نوجوانان است که در این زمینه رویکرد تقنینی ویژه‌ای می‌طلبد تا از هر دو طفل حمایت شود. البته ارتکاب جرائم عمومی طفل علیه طفل نیز باید مدنظر قرار گیرد که در قانون حمایت از اطفال ۱۳۹۹ ازجمله مواردی که تلاش شده است برای نوجوان بزهکاری که علیه کودکی مرتکب بزه می‌شود تمایز برقرار شود.

قاجاق کودکان برای مقاصد هرزه‌نگاری و سوءاستفاده جنسی یا برداشت اعضا و جوارح: ازجمله موضوعات مورد تأکید سازمان ملل متحد برای پیشگیری از خشونت

علیه اطفال، جرم‌انگاری قاچاق کودکان است. به‌همین منظور قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ در ماده ۱۱ هر نوع معامله راجع به طفل را با هر منظوری جرم‌انگاری کرده و در صورتی که این معامله باهدف فحشا و هرزه‌نگاری و بهره‌کشی اقتصادی یا برداشت اعضا و جوارح طفل باشد، مشمول تشدید قرار گرفته است.

تشکیل کمپین آموزشی برای افزایش آگاهی عمومی با همکاری نهادهای مرتبط با حقوق اطفال: به‌موجب ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، برای نهادهای مرتبط با حقوق اطفال و نوجوانان وظایفی تعریف شده است؛ مهم‌ترین نهادی که برای افزایش آگاهی عمومی می‌تواند اثرگذار باشد صداوسیما است که وظایفی از جمله تولید و پخش برنامه‌های منظم برای افزایش سطح اطلاعات عموم مردم در حوزه اطفال، برقراری نظام رده‌های سنی و محتوایی محصولات صداوسیما در برنامه‌های اطفال و نوجوانان، همکاری با سایر نهادهای این قانون برای تولید آثار و برنامه‌های علمی، آموزشی، فرهنگی، جلوگیری از تولید، پخش یا تبلیغ برنامه‌های مضر سلامت، تربیت، اخلاق یا سایر حقوق اطفال، وضع ضمانت‌اجراهای اداری و انضباطی برای تهیه‌کنندگان و مجریان و سایرین در حوزه اطفال را بر عهده دارد.

حمایت ویژه از اطفال بی‌سرپرست، مهاجر، پناهنده: برای پیشگیری از خشونت علیه اطفال، دولت‌ها باید فرای تابعیت طفل، تلاش خود را برای کاهش خطر و حمایت حداکثری از همه اطفال به‌عمل آورند. در این زمینه در ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، بی‌سرپرستی، فقر شدید، آوارگی، مهاجرت و بی‌تابعیتی از جمله مواردی هستند که کودک را در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار می‌دهند. این شرایط مؤلفه‌های خطر و آسیب و احتمال خشونت‌دیدگی را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد. به‌همین منظور مطابق ماده ۶ این قانون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف شده است تا تمام اطفال ساکن ایران را (صرف نظر از تابعیت) مشمول بیمه سلامت کند.

توسل به شیوه‌های حل و فصل غیررسمی و میانجی‌گری فقط در مواقعی که به نفع و

مصلحت طفل باشد: هرچند توسل به شیوه‌های غیررسمی با قضازدایی و کاهش مداخله‌های نظام قضایی و رسمی هم‌راستا است اما باید در نظر داشت که در تعارض این اصول همواره باید مصلحت طفل را برتری داد. حتی فلسفه قضازدایی در رعایت مصلحت طفل است. بنابراین توسل به این شیوه باید با دقت نظر صورت پذیرد و نخست مصلحت طفل مدنظر قرار گیرد و دوم، فقدان تعادل، قدرت و آسیب‌پذیری کودک باید در نظر گرفته شود، همچنین در برخی موضوعات از قبیل ازدواج اجباری هرگز نباید با میانجی‌گری و حل‌وفصل غیررسمی، اجازه آن داده شود. همچنین باید تمام خسارات کودک و خانواده وی جبران شود و آن‌ها را از سازوکارهای جبران خسارت حتی توسط دولت آگاه کنند.

همکاری نظام عدالت غیررسمی با نهادهای رسمی حمایت از کودک: همکاری نهادهای رسمی با غیررسمی برای تسهیل مداخله‌های عملیاتی در موضوعات اضطراری و گزارش، ثبت اقدامات و حفاظت از حریم خصوصی کودک و توسعه دستگاه‌های اطلاعاتی برای تسهیل تبادل اطلاعات و همکاری در شناسایی حوادث خشونت‌بار علیه کودکان و امکان گزارش فوری موضوعات کودک‌آزاری به پلیس و سایر نهادها باید به کار بسته شود.

توسعه واحدهای حفاظتی تخصصی آگاه به حساسیت‌ها و پیچیدگی‌های حمایت از کودکان بزه‌دیده و در وضعیت مخاطره‌آمیز: توسعه واحدهایی برای حفاظت، مداخله، خدمات بهداشتی و اجتماعی و کمک‌های حقوقی و اقدامات پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و واحدهای اورژانس اجتماعی و مانند آن و حمایت از اطفالی که والدین آن‌ها محروم از آزادی هستند و تخصیص منابع کافی برای توسعه ظرفیت‌های تخصصی در نظام عدالت کیفری برای پیشگیری فعال از خشونت علیه اطفال و ارائه محتواهای آموزشی به کارکنان درخصوص مراحل رشد کودک، ماهیت خشونت علیه اطفال، شناسایی تفاوت گروه‌های هم‌سال با گروه‌های معمولی، نحوه مدیریت کودکانی که الکل یا مخدر مصرف

می‌کنند زیرساخت‌هایی است که برای حمایت از اطفال و پیشگیری از خشونت علیه اطفال در جامعه، ضروری به نظر می‌رسد.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌دلیل افزایش آمار بزهکاری، ویژگی‌های خاص اطفال و نوجوانان و نیاز به وجود مقررات و تشکیلات مجزا و افتراقی و رویکردهای حمایتی و توجه به اصلاح و بازپروری کودکان معارض با قانون و تاکید بر روش‌های عدالت ترمیمی برای جبران آسیب‌ها و خسارت‌های کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر و ضرورت پیشگیری از خشونت علیه اطفال به‌دلیل بالابردن عوامل خطر به‌ویژه در اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز و افزایش احتمال به فعلیت رسیدن خشونت‌دیدگی یا بزهکاری در آنان، سازمان ملل متحد، در اسناد افتراقی متعددی به دادرسی اطفال و نوجوانان اعم از کودکان بزهکار، بزه‌دیده، شاهد و کودکان در معرض خطر بزهکاری یا بزه‌دیدگی پرداخته است. از جمله این اسناد، مقررات پکن، هاوانا، رهکردهای ریاض، رهکردهای وین، قطعنامه اصول راهنمای دادرسی در موضوعات دربردارنده کودکان قربانی و شاهد جرم و نمونه راهبردها و تدابیر عملی سازمان ملل متحد در حذف خشونت علیه کودکان در زمینه پیشگیری از جرم و نظام عدالت کیفری است. استعداد کودکان در پذیرش خشونت و بزه‌دیده واقع شدن و به‌دلیل تاثیر خشونت بر روند رشدی و روانی آنان و همچنین تاثیر آن در افزایش نرخ بزهکاری و بالابردن عوامل خطر در اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز، ضرورت پیشگیری از خشونت علیه اطفال را بیش از پیش آشکار می‌کند.

پیشگیری از خشونت علیه اطفال در یک دسته‌بندی به پیشگیری کیفری و غیرکیفری تقسیم می‌شود. در این رویکردهای پیشگیرانه، نقش جرم‌شناسی رشدمدار و توجه به ذهنیت کودکان در هر مرحله از رشد را نمی‌توان نادیده انگاشت. پیشگیری غیرکیفری به پیشگیری‌های جامعه‌محور و عناصری مانند خانواده و مدرسه، رسانه و همسالان و

پیشگیری کیفری به روش‌های پیشگیرانه رسمی و از طریق نهادهای کیفری، که کودکان به رغم تاکید بر قضاودایی ممکن است به‌عنوان طفل بزه‌کار، بزه‌دیده، شاهد جرم یا طفل در وضعیت مخاطره‌آمیز با این نهادهای رسمی و کیفری برخورد و تعامل پیدا کنند، می‌پردازد. در این خصوص سازمان ملل متحد در نمونه راهبردها و تدابیر عملی سازمان ملل متحد در حذف خشونت علیه کودکان در زمینه پیشگیری از جرم و نظام عدالت کیفری به ارائه الگو و تدابیر پیشگیرانه از خشونت علیه اطفال پرداخته است.

در پاسخ به پرسش‌های تحقیق باید گفت: از منظر سازمان ملل متحد، پیشگیری کیفری از خشونت علیه اطفال، از سه رهگذر مهم عبور می‌کند: ۱. پیشگیری عام در مرحله تقنین؛ ۲. استفاده از ظرفیت‌های نظام کیفری به‌مثابه ابزاری برای پیشگیری از خشونت علیه اطفال در جامعه و ۳. پیشگیری از خشونت علیه اطفال در نظام دادرسی کیفری. در ایران، از دهه هشتاد هجری شمسی، نیاز به وجود تشکیلات و دادرسی افتراقی برای اطفال و نوجوانان احساس شد و مطالعات تطبیقی بر روی نحوه دادرسی اطفال به‌طور جدی صورت پذیرفت. انعکاس نتیجه این مطالعات را ابتدا در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۸۸ شاهد هستیم. این قانون که مشتمل بر ۹ ماده تنظیم شده بود در پوشش نیازها و ضرورت‌ها، ناکارآمد و بسیار مجمل به‌نظر می‌رسید. در سال ۱۳۹۲ در قانون مجازات اسلامی و پس از آن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به بحث اطفال توجه بیشتری شد. اما همچنان به‌دلیل نیاز به حمایت از اطفال و نوجوانان به‌علت ویژگی‌های خاص این قشر از جامعه، مقررات پیش‌بینی شده در این دو قانون جامع به‌نظر نمی‌رسید. ثمره یک دهه مطالعات بر روی اطفال و نوجوانان و نظام دادرسی ویژه آنان، تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ بود که رویکردی بسیار حمایتی داشته و به‌خصوص خلاهای قانونی در رابطه با اطفال در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز را تا حد مطلوبی جبران کرده است.

همچنین لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ به مجلس

تقدیم شده و مراحل تصویب آن هنوز تکمیل نشده است. این لایحه به ایفای وظایف حمایتی و تخصصی پلیس ویژه پرداخته است و وظایفی از جمله قضازدایی و تدابیر حمایتی با تمرکز بیشتر بر روی طفل یا نوجوان معارض قانون برای پلیس ویژه اطفال و نوجوانان تعریف کرده است که در صورت تصویب آن، زنجیره نظام دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان، تکمیل می‌شود. همچنین در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که در آذر ۱۳۹۹ به تصویب رسید به‌خوبی به بحث اطفال و نوجوانان پرداخته شده است. در نتیجه در یک‌سال اخیر با قانون‌گذاری افتراقی و حمایتی مطلوبی در خصوص اطفال و نوجوانان روبه‌رو بوده‌ایم و خلاهای قانونی و دغدغه‌ها برای حمایت و پیشگیری از خشونت علیه اطفال و دادرسی افتراقی برای این قشر از جامعه تا حدود زیادی پوشش داده شده است.

نقش نظام عدالت کیفری در خصوص اطفال به‌عنوان نهادی حمایتی و نهادی سرکوب‌گر از یکدیگر تفکیک شده و برای نقش حمایتی و حفاظتی این نظام در درون جامعه و در برخورد با طفلی که وارد فرایند رسمی کیفری شده است، اهمیت مضاعفی را شاهد هستیم. این نقش حمایتی نه تنها پس از وقوع جرم و خشونت نسبت به اطفال مدنظر واقع شده است تا از بزه‌دیدگی ثانویه آنها جلوگیری کند بلکه معطوف به اقدامات پیشگیرانه و کاهش عوامل خطر و پیشگیری هرچه بیشتر از خشونت و بزه‌دیدگی اولیه نیز شده است. در این میان نقش حمایتی دادسرا بسیار پررنگ‌تر از نقش و حضور کم‌فروغ این نهاد در فرایندهای تعقیبی و سزادهی است.

همکاری نهادهای حمایتی از جمله بهزیستی و اورژانس اجتماعی و سایر سازمان‌ها در ارتباط با کودکان با نظام عدالت کیفری آنان به‌منظور فراهم آوردن امکان مداخله بهنگام و تأمین امنیت طفل در معرض آسیب و شناسایی طفل در معرض خطر، پیش از کارسازشدن عوامل خطر و وقوع و فعلیت بزه‌دیدگی و خشونت‌دیدگی و همچنین همکاری این نهادها با نظام عدالت کیفری، از جمله همکاری مددکاران اجتماعی در

تشکیل پرونده شخصیت و در طول رسیدگی و جلسات و همچنین نظارت مددکاران اجتماعی بر اقدامات برگرفته از دستورات مقام قضایی و تهیه گزارش از وضعیت طفل نیز برای کاهش هرچه بیشتر خشونت علیه اطفال در درون نظام دادرسی در مقررات تازه تصویب به خوبی پیش بینی شده است.

درخصوص حذف تمام اشکال خشونت هرچند گام‌های بلندی برداشته شده است اما همچنان حذف تمام اشکال تبعیض و جرم‌انگاری عرف‌های مضر باید مدنظر قانون‌گذاران قرار گیرد؛ از آن رو که در صورت وجود تبعیض در قوانین و به رسمیت شناختن خشونت ناشی از آن و یا سکوت نظام تقنینی و سیاست جنایی در رابطه با خشونت ناشی از عرف‌های مضر، انتظار حذف خشونت علیه اطفال بدون محمل قانونی توسط نظام کیفری ممکن به نظر نمی‌رسد؛ زیرا نظام کیفری موظف به برقراری تدابیر حمایتی مدنظر قانون‌گذار است و خارج از آن صلاحیتی برای به کارگیری تصمیم یا ترک اعمال خشونت و تبعیض قانونی را نخواهد داشت.

منابع

- ابوذری، مهنوش و جاذبی، فاطمه. (۱۳۹۹). عوامل فردی موثر بر آستانه بزهکاری اطفال و نوجوانان از منظر پیشگیری رشدمدار. *فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم*، ۳(۲)، صص ۱۲۵-۱۵۰. قابل بازیابی از: http://www.jpca.ir/article_243351.html
- اسدی، لیلا سادات. (۱۳۸۲). دادرسی کیفری اطفال در حقوق ایران. *مجله حقوقی دادگستری*، ۶۷(۴۵)، صص ۱۲۳-۱۰۳. قابل بازیابی از: http://www.jlj.ir/article_46588.html
- الله‌وردی، فرهاد. (۱۳۹۹). هیچ چیز موثر نیست (اسطوره شکست رویکرد بازپروری مجرمان). *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۵۰(۲)، صص ۳۰۱-۳۲۳. قابل بازیابی از: https://jqclcs.ut.ac.ir/article_81041.html
- بشیری، تهمورث و آقاخانی، رضیه. (۱۳۹۸). کمیسر کودکان. *دانشنامه‌های حقوقی*، ۲(۲)، صص ۱۰۶۱-۱۰۸۱. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/433582>
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). موقعیت اطفال بزهکار-بزه‌دیده در حقوق ایران، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی*، دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری، ۷(۲۵)، صص ۳-۳۰. قابل بازیابی از: https://jlviews.ujsas.ac.ir/files/site1/files/x_145.pdf
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۳). رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم. *مجله حقوقی دادگستری*، ۶۸(۴۹-۴۸)، صص ۱۲۳-۱۶۸. قابل بازیابی از: http://www.jlj.ir/article_44531.html
- رضوانی، سودابه و کردعلیوند، روح‌الدین. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی کاربرد آموزه‌های عدالت‌ترمیمی در مدرسه. *نشریه مطالعات حقوق تطبیقی*، ۹(۲)، صص ۶۶۱-۶۸۳. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=508259>
- زینالی، امیر حمزه. (۱۳۸۸). *ابعاد حقوقی و جرم‌شناسی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر*. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی روزنامه رسمی کشور.
- زینالی، حمزه. (۱۳۸۲). نوآوری‌های قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان» و چالش‌های فراروی آن، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۲(۷)، صص ۵۹-۹۲. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=5078>
- شایگان، محمدرسول. (۱۳۹۲). *الگوی عدالت کیفری کودکان و نوجوانان معارض با قانون در حقوق ایران*. مجموعه مقالات همایش ملی عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی. دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری. تهران.
- غلامی، حسین؛ مودن‌زادگان، حسنعلی؛ دعاگویان، داوود و اسدی، داوود. (۱۳۹۶). عوامل بیرون‌سازمانی موثر بر احتمال بروز خشونت پلیس در فرایند دادرسی و راهکارهای پیشگیری از آن. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۲۰(۲)، صص ۹-۳۵. قابل بازیابی از: https://journals.atu.ac.ir/article_7824.html

کردعلیوند، روح‌الدین. (۱۳۸۱). مطالعه تطبیقی نظام دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در اسناد سازمان ملل متحد، حقوق ایران، فرانسه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده معارف اسلامی و حقوق. دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

موزن‌زادگان، حسنعلی. (۱۳۸۷). سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۷۲(۶۲-۶۳)، صص ۱۵-۴۰. قابل بازیابی از: http://www.jlj.ir/article_11279.html

مهدوی‌نات، محمدعلی و عبداللهی، سامان. (۱۳۹۸). سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال خشونت علیه اطفال. فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۴(۵۱)، صص ۹-۳۳. قابل بازیابی از: http://cps.jrl.police.ir/article_91224.html

میرکمالی، حسینی و حسینی، انسیه. (۱۳۹۴). کانون اصلاح و تربیت از منظر پیشگیری رشدمدار. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۴(۱۳)، صص ۷۱-۹۳. قابل بازیابی از: https://jclr.atu.ac.ir/article_2399.html

نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). پیشگیری عادلانه از جرم. مجموعه مقالات علوم اجتماعی. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.

نقدی‌نژاد، مجتبی. (۱۳۹۰). پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی. چاپ دوم. تهران: انتشارات جاودانه.

ویسی، میثم و قدیری، رشید. (۱۳۹۹). سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال خشونت علیه اطفال و نوجوانان. فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۶(۱)، صص ۱۴-۲۵. قابل بازیابی از: <http://uctjournals.com/farsi/archive/socials/1399/spring/3.pdf>

هدایت، هدیه. (۱۳۹۵). آیین دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده: مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران. چاپ اول. تهران: نشر میزان.

